

ترجمه کلمه به کلمه و روان متن

مِن آيَاتِ الْأَخْلَاقِ (از آیه‌های اخلاق)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا	الَّذِينَ	آمَنُوا	لَا يَسْخَرُوا	قَوْمًا	مِنَ	قَوْمٍ
ای	کسانی که	ایمان آوردند	نباید مسخره کنند	قوم	از	قوم

ای کسانی که ایمان آوردید نباید قومی، قومی [دیگر] را مسخره کنند

عَسَىٰ	أَنْ يَكُونُوا	خَيْرًا	مِنْهُمْ	وَ	لَا	نِسَاءً	مِنَ	نِسَاءِ
شاید	که باشند	بهتر	از ایشان	و	نه	زنان	از	زنان

شاید که [آن‌ها] بهتر از خودشان باشند و نه زنانی، زنانی [دیگر] را مسخره کنند.

عَسَىٰ	أَنْ يَكُنَّ	خَيْرًا	مِنْهُنَّ	وَ	لَا تَلْمِزُوا	أَنْفُسَكُمْ
شاید	که باشند	بهتر	از ایشان	و	عیب نگیرید	خودتان

شاید که [آن‌ها] بهتر از خودشان باشند و از خودتان عیب نگیرید

وَ لَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ	بِئْسَ	الاسْمُ	الْفُسُوقُ	بَعْدَ	الْإِيمَانِ
و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید	[چه] بد است	نام	آلوده شدن به گناه	بعد	ایمان

و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید پس از ایمان [به خدا] نام آلوده شدن به گناه [چه] بد است (چه نام بدی است آلوده شدن به گناه بعد از ایمان)

وَ	مَنْ	لَمْ يَتُوبْ	فَأُولَٰئِكَ	هُمْ	الظَّالِمُونَ*	يَا أَيُّهَا	الَّذِينَ	آمَنُوا
و	هر کس	توبه نکرد	پس آنان	همان	ستمکاران	ای	کسانی که	ایمان آوردند

و هر کس توبه نکند پس آنان همان ستمکاران هستند، ای کسانی که ایمان آوردید

اجْتَنِبُوا	كثيْرًا	مِنَ	الظَّنِّ	إِنَّ	بَعْضَ	الظَّنِّ	إِثْمٌ
بپرهیزید، دوری کنید	بسیار	از	گمان	به راستی	برخی	گمان	گناه

از بسیاری از گمان [ها] بپرهیزید به راستی برخی گمان [ها] گناه هستند.

وَ	لَا تَجَسَّسُوا	وَ	لَا يَغْتَابُ	بَعْضُكُم	بَعْضًا
و	جاسوسی نکنید	و	نباید غیبت کند	برخی از شما	برخی

و جاسوسی نکنید و نباید از یکدیگر غیبت کنید (نباید برخی از شما برخی [دیگر] را غیبت کنند).

أَ	يَجِبُ	أَحَدُكُمْ	أَنْ يَأْكُلَ	لَحْمَ	أَخِيهِ	مَيْتًا
آیا	دوست دارد	یکی از شما	که بخورد	گوشت	برادرش	مرده

آیا یکی از شما (کسی از شما) دوست دارد که گوشت برادرش را در حالی که مرده است، بخورد؟

فَكَرِهْتُمُوهُ	وَ	اتَّقُوا	اللَّهَ	إِنَّ	اللَّهَ	تَوَّابٌ ^۲	رَحِيمٌ ^۱
پس آن را ناپسند داشتید	و	پروا کنید	خدا	به راستی	خدا	بسیار توبه‌پذیر	مهربان

پس آن را ناپسند داشتید و از خدا پروا کنید به راستی خداوند بسیار توبه‌پذیر مهربان است.

قَدْ	يَكُونُ	بَيْنَ	النَّاسِ	مَنْ	هُوَ	أَحْسَنُ ^۴	مِنَّا،
گاهی	می‌باشد	میان	مردم	کسی که	او	بهتر، بهترین	از ما

گاهی میان مردم کسی هست که او بهتر از ماست،

فَعَلَيْنَا	أَنْ نَبْعِدَ	عَنِ	الْعُجْبِ	وَ	أَنْ لَا نَذْكُرَ	عُيُوبَ	الْآخَرِينَ	بِكَلَامٍ	خَفِيِّ	أَوْ	بِإِشَارَةٍ.
پس ما باید، برماست	که دوری کنیم	از	خودپسندی	و	یاد نکنیم	عیب‌ها	دیگران	به سخن	پنهان	یا	با اشاره

پس ما باید (بر ما لازم است) از خودپسندی دوری کنیم و عیب‌های دیگران را با سخنی پنهان یا با اشاره‌ای یاد نکنیم.

۱. «خَيْرٌ» اسم تفضیل است.

۲. جمله شرطیه است و جمله «فَأُولَٰئِكَ...» جواب شرط است.

۳. «تَوَّابٌ» اسم مبالغه است.

۴. «أَحْسَنٌ» اسم تفضیل است.

فَقَدْ قَالَ	أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ	«أَكْبَرُ»	الْعَيْبِ	أَنْ تَعْيِبَ	مَا	فِيكَ	مِثْلَهُ..
پس گفته است	امیرمؤمنان علی <small>علیه السلام</small>	بزرگ‌ترین	عیب	که عیب‌دار کنی	آن چه	در تو	مانند آن

پس امیرمؤمنان علی علیه السلام گفته (فرموده) است: «بزرگ‌ترین عیب [آن است] که آن چه مانند آن در توست را عیب‌دار کنی.»

تَنْصَحُنَا	الْآيَةَ	الْأُولَى ^۱	وَ	تَقُولُ:	لَا تَعْيِبُوا	الْآخِرِينَ ^۳
ما را پند می‌دهد	آیه	اول	و	می‌گوید	عیب‌جویی نکنید	دیگران

آیه اول ما را پند می‌دهد و می‌گوید: از دیگران عیب‌جویی نکنید

وَ لَا تَلْقَبُوهُمْ	بِالْقَابِ	يَكْرَهُنَّهَا.	بِئْسَ	الْعَمَلُ	الْفُسُوقُ!
و آنان را لقب ندهید	با لقب‌ها	آن را ناپسند می‌دارند	[چه] بد است	کار	آلوده شدن به گناه

و آنان را با لقب‌هایی که آن‌ها را ناپسند می‌دارند، لقب ندهید. آلوده شدن به گناه [چه] بد کاری است!

وَ مَنْ ^۴	يَفْعَلُ	ذَلِكَ	فَهُوَ	مِنَ	الظَّالِمِينَ.
و هر کس	انجام می‌دهد	آن	پس او	از	ستمکاران

و هر کس آن را انجام دهد پس او از ستمکاران است.

إِذَنْ	فَقَدْ حَرَّمَ	اللَّهُ	تَعَالَى	فِي	هَاتَيْنِ	الْآيَتَيْنِ:
بنابراین	پس حرام کرده است	خدا	بلندمرتبه	در	این دو	دو آیه

بنابراین خدای بلندمرتبه در این دو آیه [آن‌را] حرام کرده است:

- الْإِسْتِهْزَاءُ ^۵	الْآخِرِينَ،	وَ	تَسْمِيَتَهُمْ	بِالْأَسْمَاءِ	الْقَبِيحَةِ.
ریشخند کردن	دیگران	و	نامیدن آنان	به نام‌ها	زشت

- ریشخند کردن دیگران و نام دادن (نامیدن) آنان با نام‌های زشت

- سَوْءَ الظَّنِّ،	وَ	هُوَ	اِتِّهَامُ	شَخْصٍ	لِشَخْصٍ	آخَرَ	بِدُونِ	دَلِيلٍ	مَنْطِقِيٍّ.
بدگمانی	و	آن	تهمت‌زدن	شخص	به شخص	دیگر	بدون	دلیل	منطقی

- بدگمانی و آن تهمت زدن یک شخص (شخصی) به شخص دیگر بدون علّتی منطقی است.

- التَّجَسُّسُ،	وَ	هُوَ	مُحَاوَلَةُ	قَبِيحَةٌ	لِكَشْفِ	أَسْرَارِ	النَّاسِ
جاسوسی کردن	و	آن	تلاش	زشت	برای کشف	رازها	مردم

- جاسوسی کردن و آن تلاشی زشت برای کشف رازهای مردم است

لِفُضْحِهِمْ	وَ	هُوَ	مِنْ	كِبَائِرِ الذُّنُوبِ	فِي	مَكْتَبِنَا	وَ	مِنَ	الْأَخْلَاقِ	السَّيِّئَةِ.
برای رسوا کردن آنان	و	آن	از	گناهان بزرگ	در	مکتب ما	و	از	اخلاق‌ها	زشت

برای رسوا کردن آنان و آن از بزرگ‌ترین گناهان در مکتب ما و از اخلاق‌های زشت است.

- وَ الْغَيْبَةِ،	وَ	هِيَ	مِنْ	أَهَمِّ	أَسْبَابِ	قَطْعِ	التَّوَاصُلِ	بَيْنَ	النَّاسِ.
و غیبت	و	آن	از	مهم‌ترین	علت‌ها	بریدن	ارتباط	میان	مردم

- و غیبت و آن از مهم‌ترین علّت‌های قطع ارتباط میان مردم است.

سَمَّى	بَعْضُ	الْمُفَسِّرِينَ	سُورَةَ	الْحَجَرَاتِ	الَّتِي	جَاءَتْ	فِيهَا	هَاتَانِ	الْآيَتَانِ	بِسُورَةِ	الْأَخْلَاقِ.
نامید	برخی	مفسران	سوره	حجرات	که	آمد	در آن	این دو	دو آیه	به سوره	اخلاق

برخی از مفسران سوره حجرات را که در آن، این دو آیه آمده است، سوره اخلاق نامیدند.

۱. «أكبر» اسم تفضیل است.

۲. «الأولی» اسم تفضیل مؤنث بر وزن «فعلی» است.

۳. «الآخرین» مفرد «الأخر» در اصل به صورت «الأخر» بر وزن «أفعل» است و اسم تفضیل می‌باشد.

۴. این جمله، جمله شرطیه است. جمله «فَهُوَ...» جواب شرط است.

۵. «الاستهزاء» با حرف اضافه «ب» می‌آید.

۶. «أهم» در اصل «أهمم» است که بر وزن «أفعل» و اسم تفضیل است.

واژگان

عَجَب: خودپسندی عَسَى: شاید = رُبَمَا عَذَب: عذاب داد (مضارع: يُعَذِّبُ / امر: عَذَّبْ / مصدر: تعذیب) عَلَبْتُ: چیره شد فُسُوق: آلوده شدن به گناه فَضَح: رسوا کردن فَلَق: سپیده دم قَد: گاهی، شاید ← (بر سر فعل مضارع می آید). «قَد یَکُونُ: گاهی می باشد» ← بر سر فعل ماضی برای نزدیک ساختن زمان فعل به حال و معادل ماضی نقلی است. کِبَائِر: گناهان بزرگ «مفرد: کَبِیرَة» کَرِه: ناپسند داشت (مضارع: یَکْرَهُ / امر: اِکْرَهُ / مصدر: کَرَاهَة) لَحْم: گوشت «جمع: لُحُوم» لَقَب: لقب داد (مضارع: یَلْقَبُ / امر: لَقَّبْ) لَمَز: عیب گرفت (مضارع: یَلْمِزُ) مَتَجَر: مغازه مَبِیت: مرده «جمع: اَمْوَات، مَوْتَى» ≠ حَی مُهْتَدِی: هدایت شده مِیزان: ترازو «جمع: مَوَازِین» نُوعِیَة: نوع، جنس	تَوَاضَل: ارتباط (ماضی: تَوَاضَلْ / مضارع: یَتَوَاضَلْ) تَمَم: کامل کرد (مضارع: یَتَمَّمُ / امر: تَمَّمْ / مصدر: تَمَمِمْ) جَادَل: گفت و گو کرد، ستیز کرد (مضارع: یُجَادِلُ / امر: جَادِلْ / مصدر: مُجَادَلَة) حَرَم: حرام کرد (مضارع: یَحْرِمُ / امر: حَرِّمْ / مصدر: تَحْرِیم) حَسَن: نیکو گردانید (مضارع: یَحْسِنُ / امر: حَسِّنْ / مصدر: تَحْسِین) حَی: بشتاب خَفَض: تخفیف داد (مضارع: یُخَفِّضُ / امر: خَفِّضْ / مصدر: تَخْفِیض) خَفِی: پنهان ≠ ظاهر زَمِیل: همکار سَاء: بد شد (مضارع: یَسُوءُ) سَخِرَ مِنْ: مسخره کرد (مضارع: یَسْخَرُ / مصدر: سُخْرِیَة) «لا یَسْخَرُ: نباید مسخره کند» سِعْر: قیمت «جمع اَسْعَار» صَلَّ: گمراه شد (مضارع: یَصِلُّ) عَاب: عیب جویی کرد، عیب دار کرد (مضارع: یَعِيبُ / مصدر: عَيْب)	اِتَّقَى: پروا کرد (مضارع: یَتَّقِی) «اتَّقُوا اللّهَ: از خدا پروا کنید» اِثْم: گناه = ذَنْب اِسْتَهْزَأ: ریشخند کردن (ماضی: اِسْتَهْزَأَ / مضارع: یَسْتَهْزِئُ) اَدْعُ: فرا بخوان اِغْتَاب: غیبت کرد (مضارع: یَغْتَابُ) «لا یَغْتَابُ: نباید غیبت کند» اَنْ یَکُنَّ: که باشند (کَانَ، یَکُونُ) اَنْ یَکُونَا: که باشند (کَانَ، یَکُونُ) اَهْدِی: هدیه کرد بَغَض ... بَغَض: یکدیگر بِئْسَ: بد است تَاب: توبه کرد (مضارع: یَتُوبُ) «لَمْ یَتُبْ: توبه نکرد» تَجَسَّس: جاسوسی کرد (مضارع: یَتَجَسَّسُ / امر: تَجَسَّسْ / مصدر: تَجَسَّسْ) تَسْمِیَة: نام دادن، نامیدن (ماضی: سَمَّى / مضارع: یَسْمِی) تَخْفِیض: تخفیف دادن (در داد و ستد) تَنَابَزَ بِالْاَلْقَابِ: به یکدیگر لقب های زشت دادن (ماضی: تَنَابَزَ / مضارع: یَتَنَابَزُ / مصدر: تَنَابَزَ) تَوَاب: بسیار توبه پذیر، بسیار توبه کننده
--	---	---

عَمَل = فِعْل کار	رَحِیم = حَنُون مهربان	اِثْم = ذَنْب = خَطِیئَة گناه	خَیر = اَفْضَل، اَحْسَن بهتر، بهترین	یا = اَیْهَا ای	مترادف
تَوَاضَل = اِرْتِبَاط ارتباط	مُحَاوَلَة = اِجْتِهَاد = سَعِی تلاش	قَد (+ فعل مضارع) = عَسَى = رُبَمَا شاید	شَخْص = فَرْد فرد، شخص	یَفْعَلُ = یَعْمَلُ انجام می دهد، کار می کند	
اِسْتَهْزَأَ بِ = سَخِرَ مِنْ ریشخند کرد، مسخره کرد	کِبَائِر = الذُّنُوبُ الْکَبِیرَة گناهان بزرگ	جَعَلَ = وَضَعَ قرار داد	سَبِیل = طَرِیق راه	حَسَنٌ = جَیْد خوب	
اِجْتِنَاب = اِبْتِعَاد دوری کردن، دور شدن	مَخْفِی = مَسْتُور پنهان	تَنَابَزَ = لَقَّبَ با لقب [بد] خواند، لقب داد	کَرِیْه = قَبِیح زشت، ناپسند	عَاب = لَمَزَ عیب جویی کرد، عیب دار کرد، عیب گرفت	

اَجْتَنِبُوا ≠ اِقْتَرِبُوا بپرهیزید ≠ نزدیک شوید	كثير ≠ قليل بسیار، زیاد ≠ کم	نساء ≠ رجال زنان ≠ مردان	بَعْدُ ≠ قَبْلُ پس ≠ پیش	أَوْلَئِكَ ≠ هَؤُلَاءِ آنان ≠ اینان
أَحَدٌ ≠ جَمِيعٌ یکی ≠ همه	أَخٌ ≠ أُخْتٌ برادر ≠ خواهر	مَيِّتٌ ≠ حَيٌّ مرده ≠ زنده	نَبْتَعِدُ ≠ نَقْتَرِبُ دور می شویم ≠ نزدیک می شویم	خَفِيٌّ ≠ ظَاهِرٌ، مُبِينٌ پنهان ≠ آشکار
قَبِيحَةٌ ≠ جَمِيلَةٌ زشت ≠ زیبا	قَطَعٌ ≠ وَضَلٌ بریدن ≠ پیوند خوردن	يَنْهَى ≠ يَأْمُرُ نهی می کند ≠ دستور می دهد	أَعْلَى ≠ أَرْحَصُ گران تر ≠ ارزان تر	أَقْلٌ ≠ أَكْثَرُ کم تر ≠ بیش تر
كَبِيرٌ ≠ صَغِيرٌ بزرگ تر ≠ کوچک تر	قَمِيصٌ ≠ فُسْتَانٌ پیراهن مردانه ≠ پیراهن زنانه	أَكْبَرُ ≠ أَصْغَرُ بزرگ تر ≠ کوچک تر	قَدِيمٌ ≠ جَدِيدٌ، بَدِيعٌ قدیم ≠ جدید، نو	عَالِيَةٌ ≠ رَخِيصَةٌ گران ≠ ارزان
أَبْيَضٌ ≠ أَسْوَدٌ سفید ≠ سیاه	زَائِدٌ ≠ نَاقِصٌ به اضافه ≠ منهای	مَشْرِقٌ ≠ مَغْرِبٌ مشرق ≠ مغرب	أَحَلٌّ ≠ حَرَمٌ حلال کرد ≠ حرام کرد	
غَافِرٌ: آمرزنده غَفَّارٌ: بسیار آمرزنده	تَابٌ: توبه کرد إِغْتَابٌ: غیبت کرد	ذَهَبٌ: رفت ذَهَبٌ: طلا	أَعْلَى: بلندتر، بلندترین أَعْلَى: گران تر، گران ترین	حَسَنٌ: خوب أَحْسَنٌ: بهتر
مَطْعَمٌ: رستوران مَطْبَخٌ: آشپزخانه مَطْبَعَةٌ: چاپخانه	سَاءٌ: بد شد سَوْءٌ: بد	سَاتِرٌ: پوشاننده سِتَّارٌ: بسیار پوشاننده		
أَنْفُسٌ ← نَفْسٌ خود	أَلْقَابٌ ← لَقَبٌ لقب	عُيُوبٌ ← عَيْبٌ عیب	أَسْمَاءٌ ← إِسْمٌ نام، اسم	أَسْرَارٌ ← سِرٌّ راز
كِبَائِرٌ ← كَبِيرَةٌ بزرگ	ذُنُوبٌ ← ذَنْبٌ گناه	أَخْلَاقٌ ← خُلُقٌ اخلاق	أَسْبَابٌ ← سَبَبٌ علت	لُحُومٌ ← لَحْمٌ گوشت
أَمْوَاتٌ، مَوْتَى ← مَيِّتٌ مرده	جِبَالٌ ← جَبَلٌ کوه	أَفْضَلٌ ← أَفْضَلُ بهتر، برتر	أَحَادِيثٌ ← حَدِيثٌ حدیث	عِبَادٌ ← عَبْدٌ بنده
مَلَابِسٌ ← مَلْبَسٌ لباس	أَسْعَارٌ ← سِعْرٌ قیمت	فَسَاتِينٌ ← فُسْتَانٌ لباس	سِرَاوِيلٌ ← سِرْوَالٌ شلوار	تَمَارِينٌ ← تَمْرِينٌ تمرین
أَفْعَالٌ ← فِعْلٌ فعل	تَرَكَيبٌ ← تَرْكِيْبٌ ترکیب	عُيُوبٌ ← عَيْبٌ نهنان	خَطَايَا ← خَطِيئَةٌ خطا، اشتباه	مَوَازِينٌ ← مِيزَانٌ ترازو

□ عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. (درست و غلط را بر حسب متن درس مشخص کن.) ✓ ✗

- ✗ ۱- سَمَى بَعْضَ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجْرَاتِ بِعُرُوسِ الْقُرْآنِ. (برخی از مفسران سوره حجرات را عروس قرآن نامیدند.)
- ✗ ۲- حَرَّمَ اللَّهُ فِي هَاتَيْنِ الْآيَاتَيْنِ الْإِسْتِهْزَاءَ وَالْغَيْبَةَ فَقَطُّ. (خدا در این دو آیه، فقط ریشخند کردن و غیبت را حرام کرد.)
- ✓ ۳- الْغَيْبَةُ هِيَ أَنْ تَذْكَرَ أَحَاكَ وَ أَحْتَكَمَ بِمَا يَكْرَهُانِ. (غیبت همان است که برادرت و خواهرت را به آنچه ناپسند می دارند، یاد کنی.)
- ✓ ۴- إِنَّ اللَّهَ يَنْهَى النَّاسَ عَنِ الشُّحْرِيبَةِ مِنَ الْآخِرِينَ. (همانا خداوند مردم را از مسخره کردن دیگران نهی می کند.)
- ✗ ۵- أَلَسَّغِي لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخِرِينَ أَمْرٌ جَمِيلٌ. (تلاش برای شناختن رازهای دیگران کاری زیباست.)

قواعد

اسم التفضیل و اسم المکان

اسم تفضیل

من از مریم بزرگ‌تر هستم!

دوستم باهوش‌ترین دانش‌آموز کلاس است!

به کلماتی مانند «بزرگ‌تر، باهوش‌ترین، بهتر، خوب‌ترین و ...» در زبان فارسی «صفت برتر» و «صفت برترین» می‌گوییم. معادل «صفت برتر» یا «صفت برترین» در زبان عربی، اسم تفضیل است که مفهوم برتری دارد و بر وزن «أَفْعَل» می‌آید.

مثال

كَبِير: بزرگ ← اسم تفضیل ← أَكْبَر: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین

حَسَن: خوب ← اسم تفضیل ← أَحْسَن: خوب‌تر، خوب‌ترین

صَغِير: کوچک ← اسم تفضیل ← أَصْغَر: کوچک‌تر، کوچک‌ترین

جَمِيل: زیبا ← اسم تفضیل ← أَجْمَل: زیباتر، زیباترین

در ترکیبات زیر با اسم تفضیل، دو کلمه مقایسه شده‌اند.

آسیا بزرگ‌تر از اروپا است.

۱ آسیا أَكْبَرُ مِنْ أوروپا.

آسیا بزرگ‌ترین قاره‌های جهان است.

۲ آسیا أَكْبَرُ قَارَاتِ الْعَالَمِ.

آسیا بزرگ‌ترین قاره در جهان است.

۳ آسیا أَكْبَرُ قَارَةٍ فِي الْعَالَمِ.

* چه تفاوتی در ترجمه اسم تفضیل «أكبر» در این سه عبارت می‌بینید؟

اگر دقت کنید، متوجه می‌شوید که در مثال اول، اسم تفضیل «أكبر» به صورت «صفت برتر» ترجمه شده (بزرگ‌تر) و در مثال دوم و سوم به صورت «صفت برترین» (بزرگ‌ترین) ترجمه شده است.

نکته هرگاه پس از اسم تفضیل حرف جرّ «من» بیاید، در ترجمه از «صفت برتر» استفاده می‌کنیم و هرگاه اسم تفضیل مضاف واقع شود، باید

به صورت «صفت برترین» ترجمه شود.

هذا أَكْبَرُ مِنْ ذَلِكَ. (این از آن بزرگ‌تر است.)

سورة البقرة أَكْبَرُ سورة في القرآن. (سورة بقره بزرگ‌ترین سوره در قرآن است.)

تمرین

□ ترجم العبارات التالية. (عبارت‌های زیر را ترجمه کن.)

۱- إيران أَكْبَرُ بلدٍ في المنطقة!

۲- فاطمة أَكْبَرُ مِنْ زميلتها!

۳- آسیا أَجْمَلُ القارات!

۴- حسين أَحْسَنُ طالبٍ في المدرسة!

پاسخ

۱- ایران بزرگ‌ترین کشور در منطقه است! (اسم تفضیل مضاف واقع شده است.)

۲- فاطمه از هم‌شاگردی‌اش بزرگ‌تر است! (اسم تفضیل با حرف جرّ «من» آمده است.)

۳- آسیا زیباترین قاره‌هاست! (اسم تفضیل مضاف واقع شده است.)

۴- حسین بهترین دانش‌آموز در مدرسه است! (اسم تفضیل مضاف واقع شده است.)

* گاهی اسم تفضیل به این شکل‌ها می‌آید:

أَدَقُّ: دقیق‌تر، دقیق‌ترین	أَحَبُّ: محبوب‌تر، محبوب‌ترین
أَقَلُّ: کم‌تر، کم‌ترین	أَعْلَى: گران‌تر، گران‌ترین
أَشَدُّ: سخت‌تر، سخت‌ترین	أَعْلَى: بلندتر، بلندترین

مثال

کوه دماوند بلندتر از کوه دناست.
کوه دماوند بلندترین کوه‌های ایران است.
کوه دماوند بلندترین کوه در ایران است.

جَبَلٌ دَمَاوَنْدٌ أَعْلَى مِنْ جَبَلِ دِنَا.
جَبَلٌ دَمَاوَنْدٌ أَعْلَى جِبَالِ إِيرَانَ.
جَبَلٌ دَمَاوَنْدٌ أَعْلَى جَبَلٍ فِي إِيرَانَ.

نکته مؤنث اسم تفضیل بر وزن «فَعْلَى» می‌آید.

مثال

زَيْنَبُ الصُّغْرَى (زینب کوچک‌تر)

فَاطِمَةُ الْكُبْرَى (فاطمه بزرگ‌تر)
«كُبْرَى - صُغْرَى - حُسْنَى ...»

نکات

۱ وقتی بخواهیم اسم تفضیل را در حالت مقایسه میان دو اسم مؤنث قرار دهیم، معمولاً از همان وزن «أَفْعَل» استفاده می‌کنیم.

مثال فاطمة أَكْبَرُ مِنْ زَيْنَب. (فاطمه بزرگ‌تر از زینب است.)

زمیلتی أَنْجَحَ مِنْ أُخْتِي مَرْيَمَ. (هم‌شاگردی‌ام از خواهرم مریم موفق‌تر است.)

۲ غالباً جمع اسم تفضیل بر وزن «أَفَاعِل» است.

مثال إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ هَلَكَ الْأَفْضِلُ. (هرگاه فرومایگان به فرمانروایی برسند، شایستگان هلاک می‌شوند.)

أَزْدَلُ ← أَرَادِلُ أَفْضَلُ ← أَفَاضِلُ

۳ اسم تفضیل می‌تواند به هر یک از ضمائر (هُ، هِمْ، هِمَا، هِمَّ، ...، نَا) اضافه شود: «أَقَلَّكُمْ، أَحْسَنَهُمْ، أَشَدُّهَا، ...»

مثال أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ. (بهترین مردم سودمندترینشان برای مردم است.)

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (خودت را امتحان کن)

تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ النَّالِيَةَ، ثُمَّ صَعْ خَطًّا تَحْتَ اسْمِ التَّفْضِيلِ. (حدیث‌های زیر را ترجمه کن، سپس یک خط زیر اسم تفضیل بگذار.)

۱- أَعْلَمُ النَّاسِ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ داناترین مردم، کسی است که علم مردم را به علم خود افزود (بیفزاید).

اسم تفضیل

۲- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ محبوب‌ترین بندگانی خدا نزد خداوند سودمندترینشان برای بندگانش است.

اسم تفضیل

۳- أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْخَلَالِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بهترین کارها کسبِ حلال است.

اسم تفضیل

خَيْرٌ وَ شَرٌّ

کلمه «خَيْرٌ» به معنای «خوبی» و کلمه «شَرٌّ» به معنای «بدی» است. این دو کلمه می‌توانند به معنای اسم تفضیل نیز بیایند.

نکته در چه صورت دو کلمه «خَيْرٌ» و «شَرٌّ» می‌توانند اسم تفضیل باشند:

۱ معمولاً بعد از این دو کلمه حرف جرّ «مِنْ» می‌آید.

ساعتی اندیشیدن بهتر از عبادت هفتاد سال است.

تَفَكَّرَ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۲ هرگاه این دو کلمه مضاف واقع شوند.

شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَ لَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ ﷺ بدترین مردم کسی است که پایبند به امانت نباشد و از خیانت دوری نکند.

خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ ﷺ بهترین کارها میانه‌ترین آن‌هاست.

به سوی بهترین کار بشتاب.

حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ

تمرین

□ ترجمه کلمه «خیر» في العبارات التالية ثم عيّن اسم التفضيل. (کلمه «خیر» را در عبارات‌های زیر ترجمه کن سپس اسم تفضیل را مشخص کن.)
 ۱- خَيْرُ الْأُمُورِ أَنْفَعُهَا لِلنَّاسِ. ۲- الْخَيْرُ فِي مَا وَقَعَ. ۳- الْعَدُوُّ الْعَاقِلُ خَيْرٌ مِنَ الصَّدِيقِ الْجَاهِلِ.

پاسخ

۱- بهترین اسم تفضیل ۲- خوبی ۳- بهتر از - اسم تفضیل

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (خودت را امتحان کن)

ترجمه العبارات التالية. (عبارات‌های زیر را ترجمه کن.)

۱- ﴿... رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ الْمُؤْمِنُونَ: ۱۰۹
 ... پروردگارا، ایمان آوردیم پس ما را بیامرز و به ما رحم کن و تو بهترین رحم‌کنندگان هستی.

۲- خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَىٰ إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
 بهترین برادرانتان کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کرد (کند).

۳- ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ۝ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ﴾ الْفَلَقُ: ۱ و ۲
 بگو به پروردگار سپیده دم پناه می‌برم، از بدی آن چه آفرید.

۴- ﴿ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ الْقَدَرُ: ۳
 شب قدر بهتر از هزار ماه است.

۵- مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ الطَّلِيحِيُّ
 هر کس شهوتش بر عقلش چیره شود پس او بدتر از چارپایان است.

۶- شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ.
 بدترین مردم دارای دو رو (منافق) است.

اسم مکان

به تمام کلماتی که بر جا و مکان دلالت می‌کنند، در زبان فارسی اسم‌های مکان می‌گوییم، ولی در زبان عربی به کلمه‌ای اسم مکان گفته می‌شود که بر وزن‌های زیر بیاید:

مَفْعَل ← مَلْعَب (ورزشگاه) - مَطْعَم (رستوران، غذاخوری) - مَضْنَع (کارخانه) - مَطْبَخ (آشپزخانه) - مَحْزَن (انبار)

مَفْعِل ← مَنَزَل (خانه) - مَجْلِس (مجلس) - مَحْفِل (انجمن) - مَحْمِل (کجاوه)

مَفْعَلَةٌ ← مَكْتَبَةٌ (کتابخانه) - مَطْبَعَةٌ (چاپخانه) - مَدْرَسَةٌ (مدرسه) - مَحْفَلَةٌ (چمدان، کیف)

* جمع اسم مکان بر وزن «مَفَاعِل» می‌آید:

مثال

مَلْعَب ← مَلَاعِب (ورزشگاه‌ها) / مَجْلِس ← مَجَالِس (مجلس‌ها) / مَطْعَم ← مَطَاعِم (رستوران‌ها)

مَنَزَل ← مَنَازِل (خانه‌ها) / مَكْتَبَةٌ ← مَكَاتِب (کتابخانه‌ها) / مَضْنَع ← مَصَانِع (کارخانه‌ها)

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (خودت را امتحان کن)

ترجمه الآية و العبارة، ثم عيّن اسم المكان و اسم التفضيل. (آیه و عبارت را ترجمه کن، سپس اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن.)

۱- ﴿... وَ جَادِلْهُمْ بآتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ...﴾ الْحَلَّ: ۱۲۵

اسم تفضیل اسم مکان

... و با آنان به روشی که آن نیکوتر است گفت‌وگو [ستیز] کن به راستی پروردگارت به کسی که از راهش گمراه شد، آگاه‌تر است.

۲- كَانَتْ مَكْتَبَةٌ جُنْدِي سَابُورٍ فِي خَوْزِسْتَانَ أَكْبَرُ مَكْتَبَةٍ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ.

اسم مکان اسم تفضیل اسم مکان

کتابخانه جندی‌شاپور در خوزستان بزرگ‌ترین کتابخانه در جهان قدیم است.

مکالمه

جواز (في سوق مشهد) گفت‌وگو (در بازار مشهد)

بَائِعُ الْمَلَابِسِ (فروشنده لباس‌ها)	الزَّائِرَةُ الْعَرَبِيَّةُ (زائر عرب)
عَلَيْكُمْ السَّلَامُ، مَرْحَبًا بِكَ. (سلام بر شما، خوش آمدی.)	سَلَامٌ عَلَيْكُمْ. (سلام بر شما)
سِتُونَ أَلْفَ تُوْمَانٍ. (شصت هزار تومان)	كَمْ سِعْرُ هَذَا الْقَمِيصِ الرَّجَالِيِّ؟ (قیمت این پیراهن مردانه چند است؟)
عِنْدَنَا بِسَعْرِ خَمْسِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ. تَفْضَلِي أَنْظُرِي. (به قیمت پنجاه هزار تومان داریم. بفرما نگاه کن.)	أُرِيدُ أَرْحَصَ مِنْ هَذَا. هَذِهِ الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ. (ارزان‌تر از این می‌خواهم. این قیمت‌ها گران است.)
أَبْيَضُ وَ أَسْوَدُ وَ أَرْزَقُ وَ أَحْمَرُ وَ أَصْفَرُ وَ بِنَفْسَجِي. (سفید و سیاه و آبی و قرمز و زرد و بنفش)	أَيُّ لَوْنٍ عِنْدَكُمْ؟ (چه رنگی دارید؟)
تَبْدَأُ الْأَسْعَارَ مِنْ خَمْسَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفًا إِلَى خَمْسَةِ وَ ثَمَانِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ. (قیمت‌ها از هفتاد و پنج هزار [تومان] و هشتاد و پنج هزار تومان شروع می‌شود.)	بِكَمْ تُوْمَانٍ هَذِهِ الْقَسَاتِينُ؟ (این پیراهن‌های زنانه چند تومان است؟)
سَيِّدَتِي، يَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ النَّوْعِيَّاتِ. (خانم، قیمت بر اساس (طبق) جنس‌ها فرق می‌کند.)	الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ! (قیمت‌ها گران است!)
السَّرَوَالُ الرَّجَالِيُّ بِتِسْعِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ، وَ السَّرَوَالُ النِّسَاءِيُّ بِخَمْسَةِ وَ تِسْعِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ. (شلوار مردانه نود هزار تومان و شلوار زنانه نود و پنج هزار تومان.)	بِكَمْ تُوْمَانٍ هَذِهِ السَّرَاوِيلُ؟ (این شلوارها چند تومان است؟)
ذَلِكَ مَتَجَرِّ زَمِيلِي، لَهُ سَرَاوِيلٌ أَفْضَلُ. (آن مغازه همکارم است، او شلوارهای بهتری دارد.)	أُرِيدُ سَرَاوِيلَ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ. (شلوارهایی بهتر از این‌ها می‌خواهم.)
فِي مَتَجَرِّ زَمِيلِهِ... (در مغازه همکارش ...)	
صَارَ الْمَبْلَغُ مِئَتَيْنِ وَ ثَلَاثِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ. أُعْطِينِي بَعْدَ التَّخْفِيفِ مِئَتَيْنِ وَ عِشْرِينَ أَلْفًا. (قیمت دویست و سی هزار تومان شد. بعد از تخفیف، دویست و بیست هزار [تومان]، به من بده.)	رَجَاءً، أُعْطِنِي سِرْوَالًا مِنْ هَذَا النَّوْعِ وَ ... كَمْ صَارَ الْمَبْلَغُ؟ (لطفاً، شلوازی از این نوع (جنس) به من بده و ... قیمت چقدر شد؟)

تمارين كتاب درسی

الْتَمَرَيْنِ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مَعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟ (کدام کلمه از کلمات لغت‌نامه درس با توضیحات زیر تناسب دارد؟)

- ۱- جَعَلَهُ حَرَامًا: (آن را حرام قرار داد.)
 - ۲- الَّذِي لَيْسَ حَيًّا: (کسی که زنده نیست.)
 - ۳- الْأَذْنُوبُ الْكَبِيرَةُ: (گناهان بزرگ)
 - ۴- الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنِ عِبَادِهِ: (کسی که توبه را از بندگانش قبول می‌کند.)
 - ۵- تَسْمِيَةُ الْأَخْرَيْنِ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ: (نامیدن دیگران با نام‌های زشت.)
 - ۶- ذَكَرْنَا لَا يُرْضَى بِهِ الْآخَرُونَ فِي غِيَابِهِمْ: (آن چه دیگران در نبودنشان به آن راضی نمی‌شوند را یاد کرد.)
- الإِسْتِهْزَاءُ (ریشخند کردن)
 الْمَمِيَّةُ (مُرده)
 الْكِبَائِرُ (گناهان بزرگ)
 التَّوَابُ (بسیار توبه‌پذیر)
 تَنَابَرُ بِالْأَلْقَابِ (به یکدیگر لقب‌های زشت دادن)
 اِغْتَابَ (غیبت کرد)

♦ **الْتَّمْرِينِ الثَّانِي:** تَرْجِمِ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ. (این احادیث نبوی را ترجمه کن، سپس [آن چه] خواسته شده از تو را مشخص کن.)

۱- حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (الْمُبْتَدَأُ وَالْخَبَرُ)
مبتدا خبر

خوش اخلاقی نیمی از دین است.

۲- مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (الْمَفْعُولُ)
مفعول

هر کس اخلاقش بد باشد، خودش را عذاب می دهد.

۳- إِنَّمَا يُعِيتُ لِأَتَمِّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (الْفِعْلُ الْمَاضِي الْمَجْهُولُ وَالْمَفْعُولُ)
فعل ماضی مجهول مفعول

فقط فرستاده شدم (مبعوث شدم) تا صفات برتر اخلاقی را کامل کنم.

۴- اَللّٰهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خُلُقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (الْفِعْلُ الْمَاضِي وَفِعْلُ الْأَمْرِ)
فعل ماضی فعل امر

خدایا همان گونه که آفرینش مرا نیکو گردانیدی، پس اخلاق مرا نیکو گردان.

۵- لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (اسْمُ تَفْضِيلٍ جَارِوْمَجْرُورٍ جَارِوْمَجْرُورٍ)
اسم تفضیل جارو مجرور جارو مجرور

چیزی سنگین تر از اخلاق نیک در ترازو [ی اعمال] نیست.

♦ **الْتَّمْرِينِ الثَّالِث:** تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَالْمُصَادِرَ التَّالِيَةَ. (فعل ها و مصدرهای زیر را ترجمه کن.)

الْمُضَدَّر	الْأَمْرُ وَالنَّهْيُ	الْمُضَارِع	الْمَاضِي
إِحْسَانٌ: نیکی کردن	أَحْسِنْ: نیکی کن	يُحْسِنُ: نیکی می کند	قَدْ أَحْسَنَ: نیکی کرده است
إِقْتِرَابٌ: نزدیک شدن	لَا تَقْتَرِبُوا: نزدیک نشوید	يَقْتَرِبُونَ: نزدیک می شوند	إِقْتَرَبَ: نزدیک شد
إِنْكَسَارٌ: شکسته شدن	لَا تَنْكَسِرْ: شکسته نشو	سَيَنْكَسِرُ: شکسته خواهد شد	إِنْكَسَرَ: شکسته شد
إِسْتِغْفَارٌ: آمرزش خواستن	إِسْتَعْفِرْ: آمرزش بخواه	يَسْتَعْفِرُ: آمرزش می خواهد	إِسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست
مُسَافَرَةٌ: سفر کردن	لَا تُسَافِرْ: سفر نکن	لَا يُسَافِرُ: سفر نمی کند	مَا سَافَرْتُ: سفر نکردم
تَعَلُّمٌ: یاد گرفتن	تَعَلَّمْ: یاد بگیر	يَتَعَلَّمَانِ: یاد می گیرند	تَعَلَّمَ: یاد گرفت
تَبَادُلٌ: عوض کردن	لَا تَتَبَادَلُوا: عوض نکنید	تَتَبَادَلُونَ: عوض می کنید	تَبَادَلْتُمْ: عوض کردید
تَعْلِيمٌ: آموزش دادن	عَلِّمْ: آموزش بده	سَوْفَ يُعَلِّمُ: آموزش خواهد داد	قَدْ عَلَّمَ: آموزش داده است

♦ **الْتَّمْرِينِ الرَّابِع:** اُكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةَ التَّالِيَةَ كَالْمِثَالِ. (معادلات ریاضی زیر را مانند نمونه بنویس.)

$$۱۰ + ۴ = ۱۴$$

۱- عَشْرَةٌ زَائِدٌ أَرْبَعَةٌ يُسَاوِي أَرْبَعَةَ عَشَرَ.

(ده به اضافه چهار مساوی است با چهارده.)

$$۱۰۰ \div ۲ = ۵۰$$

۲- مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ يُسَاوِي خَمْسِينَ.

(صد تقسیم بر دو مساوی است با پنجاه.)

$$۸ \times ۳ = ۲۴$$

۳- ثَمَانِيَةٌ فِي ثَلَاثَةٍ يُسَاوِي أَرْبَعَةَ وَعِشْرِينَ.

(هشت ضرب در سه مساوی است با بیست و چهار.)

$$۷۶ - ۱۱ = ۶۵$$

۴- بِنْتَةٌ وَسَبْعُونَ نَاقِصٌ أَحَدٌ عَشَرَ يُسَاوِي خَمْسَةَ وَسِتِّينَ.

(هفتاد و شش منهای یازده مساوی است با شصت و پنج.)

● **الْتَّمْرِينُ الْخَامِسُ:** عَيَّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمَلُونَةِ. (نقش کلمات رنگی را مشخص کن.)

- ۱- ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ الْفَتْحُ: ۲۶
مفعول مجرور به حرف جر
(پس خداوند آرامشش را بر پیامبرش و بر مؤمنان فرو فرستاد. (نازل کرد.))
- ۲- ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ الْبَقَرَةُ: ۲۸۶
فاعل مفعول
(خدا به کسی جز به اندازه توانش تکلیف نمی دهد.)
- ۳- أَلْسُكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
مبتدا خبر
(سکوت طلا و سخن گفتمن نقره است.)
- ۴- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْعَمُهُمْ لِعِبَادِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
مبتدا مضاف الیه مجرور خبر
به حرف جر
(محبوبترین بندگان خدا نزد خداوند سودمندترین آن‌ها برای بندگانش است.)
- ۵- عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ الْكَلْبَلَاءِ
مبتدا خبر مجرور به حرف جر
(دشمنی عاقل بهتر از دوستی نادان است.)

● **الْتَّمْرِينُ السَّادِسُ:** تَرْجِمِ التَّرَاكِيِبَ وَ الْجُمَلَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ، وَ اسْمَ الْمُبَالَغَةِ، وَ اسْمَ الْمَكَانِ، وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ.

(ترکیب‌ها و جمله‌های زیر را ترجمه کن، سپس اسم فاعل و اسم مفعول، و اسم مبالغه، و اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن.)

- ۱- ﴿رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ﴾: الشُّعْرَاءُ: ۲۸
پروردگار مشرق و مغرب
- ۲- يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ:
ای کسی که نیکوکاران را دوست دارد.
- ۳- يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ:
ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان. (ای مهربان‌ترین مهربانان)
- ۴- يَا سَاتِرَ كُلِّ مَغْيُوبٍ:
ای پوشاننده هر عیب‌داری.
- ۵- يَا غَفَّارَ الذَّنُوبِ:
ای بسیار آمرزنده گناهان.
- المَشْرِقُ - الْمَغْرِبُ: اسم مکان
- المُحْسِنِينَ (مفرد: الْمُحْسِنُ): اسم فاعل
- أَرْحَمَ: اسم تفضیل - الرَّاحِمِينَ (مفرد: الرَّاحِمُ): اسم فاعل
- سَاتِرَ: اسم فاعل - مَغْيُوبٍ: اسم مفعول
- غَفَّارَ: اسم مبالغه

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ (پژوهش علمی)

إِسْتَخْرِجْ خَمْسَةَ أَسْمَاءٍ تَفْضِيلٍ مِنْ دَعَاءِ الْإِفْتِتَاحِ.
(پنج اسم تفضیل از دعای افتتاح استخراج کن.)

سؤالات امتحانی درس

مهارت واژه‌شناسی

الف) تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: (کلماتی که زیرش خط است را ترجمه کن.)

- ۱- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ...» /
- ۲- بَسْ الْإِسْمُ الْقُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ. /
- ۳- «إِحْتَنَبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» /
- ۴- الْإِسْتِهْزَاءُ بِالْآخَرِينَ، سَوْءُ الظَّنِّ وَ التَّجَسُّسُ مِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ. /
- ۵- الْعَبِيَّةُ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ. /
- ۶- كَمْ بَعْرٌ هَذَا الْقَمِيصِ الرَّجَالِيِّ؟ /
- ۷- أَعْطَيْتَنِي بَعْدَ التَّخْفِيزِ مِئْتَيْنِ وَ عَشْرِينَ أَلْفًا. /
- ۸- مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَدَبَ نَفْسَهُ. /
- ۹- «أُ يُحِبُّ أَحَدَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا؟» /
- ۱۰- «لَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَ لَا تَنَابَزُوا بِاللُّقَابِ!» /
- ۱۱- «إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ» /
- ۱۲- لَا تَذْكَرْ عِيُوبَ الْآخَرِينَ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ! /
- ۱۳- عَلَيْنَا أَنْ نُبْتَغِدَ عَنِ الْعُجْبِ! /
- ۱۴- لَا تَلَقَّبُوا النَّاسَ بِالْقَابِ يَكْرَهُونَهَا! /
- ۱۵- الْمُحَاوَلَةُ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِقَضَائِهِمْ مِنْ كِبَائِرِ الذَّنُوبِ! /
- ۱۶- ذَلِكَ مَتَجَرَّرٌ زَمِيلِي. /

ب) اُكْتَبَ فِي الْفَرَغَاتِ الْمْتَرَادِفِ وَ الْمْتَضَادِّ: (در جاهای خالی مترادف و متضاد را بنویس.)

۱۷- اجتهاد - ذَنْب - أَسْوَد - أَكْثَر - غَالِيَةٌ - مُبِين - رُبَّمَا - وَضَل - الذَّنْبُ الْكَبِيرَةُ - نَاقِص

زائد ≠ = إثم كباثر = ≠ أَقْل = مُحاوَلَةٌ
رخيصة ≠ عسى = أبيض ≠ قَطَعَ ≠ خفي ≠

ج) عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تَنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى فِي الْمَعْنَى: (کلمه‌ای که با کلمات دیگر در معنا تناسب ندارد را مشخص کن.)

- | | | | | |
|-------------------------------------|-----------------------------------|------------------------------------|---|-----------------------------------|
| <input type="checkbox"/> ۱۸- ذَنْب | <input type="checkbox"/> ۱۹- أبيض | <input type="checkbox"/> ۲۰- يروال | <input type="checkbox"/> ۲۱- الأَشْتِهَاء | <input type="checkbox"/> ۲۲- آسيا |
| <input type="checkbox"/> ذنب | <input type="checkbox"/> أحسن | <input type="checkbox"/> فُستَان | <input type="checkbox"/> التَّجَسُّس | <input type="checkbox"/> أوروبا |
| <input type="checkbox"/> أحمر | <input type="checkbox"/> أسود | <input type="checkbox"/> قَميص | <input type="checkbox"/> سوء الظن | <input type="checkbox"/> أمريكا |
| <input type="checkbox"/> بُستان | <input type="checkbox"/> قَميص | <input type="checkbox"/> سوء الظن | <input type="checkbox"/> إمریکا | |
| <input type="checkbox"/> التَّوَأصل | <input type="checkbox"/> دنا | | | |

د) اُكْتَبْ مَفْرُودًا أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ: (مفرد یا جمع کلمات زیر را بنویس.)

- ۲۳- ألقاب: كبرى: أرادل: خَطِيئَةٌ:
- أفاضل: أخ: لُحوم: سَعْر:
- بِهائم: مئيت: ميزان: مَطْعَم:

مهارة ترجمه به فارسی

ه) تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ: (عبارت‌های زیر را به فارسی ترجمه کن.)

- ۲۴- «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ»
- ۲۵- «لا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَ لا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الإِيمَانِ»
- ۲۶- «لا تَجَسَّسُوا وَ لا يَغْتَنَّبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا»
- ۲۷- عَلَيْنَا أَنْ نَبْتَعِدَ عَنِ الْعُجْبِ وَ أَنْ لا نَذْكَرَ عُيُوبَ الْآخَرِينَ بِكَلَامِ خَفِيِّ أَوْ بِإِشَارَةٍ.
- ۲۸- أَيُّهَا الطَّلَابُ، لا تَعِيبُوا الْآخَرِينَ وَ لا تَلْقَبُوهُمْ بِالْقَابِ بِكْرَهُونَهَا.
- ۲۹- بِئْسَ الْعَمَلُ الْفُسُوقُ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ.
- ۳۰- التَّجَسُّسُ وَ هُوَ مُحَاوَلَةٌ قَبِيحَةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ.
- ۳۱- الْغَيْبَةُ وَ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَأصلِ بَيْنَ النَّاسِ.
- ۳۲- إِنَّ اللَّهَ يَنْهَى النَّاسَ عَنِ السَّخَرِيَّةِ مِنَ الْآخَرِينَ.
- ۳۳- جَبَلُ دَمَاوندِ أَعْلَى جِبَالِ إِيْرانِ وَ أَسيا أَكْبَرُ قَارَاتِ الْعَالَمِ.
- ۳۴- أَعْلَمُ النَّاسِ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ.
- ۳۵- مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبِهَائِمِ.
- ۳۶- أَعْطِنِي يِروالاً مِنْ هَذَا التَّوَعِ بَعْدَ التَّخْفِيفِ.
- ۳۷- «لا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلاَّ وَسْعَهَا»
- ۳۸- حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ.
- ۳۹- شَرُّ النَّاسِ مَنْ لا يَعْتَقِدُ الأمانَةَ وَ لا يَجْتَنِبُ الْخِيانَةَ.
- ۴۰- يَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ التَّوَعِيَّاتِ.
- ۴۱- عداوَةٌ العاقلِ خَيْرٌ مِنْ صَداقَةِ الجاهلِ.
- ۴۲- اللَّهُ هُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوَبَةَ عَنِ عِبَادِهِ.

9 [اِنْتَجِبِ التَّرْجِمَةَ الصَّحِيحَةَ: (ترجمه صحیح را انتخاب کن.)

۴۳- «... وَ جَادِلُهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ...»

(۱) ... و با آنان به راه و روشی که بهترین است ستیز کرد به راستی که پروردگار به کسی که از راهش گمراه شد آگاه‌تر است.

(۲) ... و با آنان به روشی که بهتر است ستیز کن همانا پروردگارت به کسی که از راهش گمراه شد آگاه‌تر است.

۴۴- اَللّٰهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي.

(۱) خدایا همان‌طور که آفرینش مرا نیکو گردانیدی، پس اخلاق مرا نیکو گردان.

(۲) خدایا همان‌گونه که اخلاق مرا نیکو گردانیدی، پس آفرینش مرا نیز نیکو گردان.

۴۵- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.

(۱) بندگان محبوب خداوند برای بندگان سودمندتر هستند.

(۲) محبوب‌ترین بندگان خدا سودمندترینشان برای بندگان است.

۴۶- خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ.

(۱) کسی که عیب‌هایتان را به شما هدیه می‌کند از بهترین برادران شماست.

(۲) بهترین برادران شما کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کرد.

۴۷- «... رَبَّنَا أَمَّا فَأَغْفِرْ لَنَا وَ اِرْحَمْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ»

(۱) پروردگارا، ایمان می‌آوریم پس ما را ببخش و به ما رحم کن همانا تو بهترین رحم‌کنندگان هستی.

(۲) پروردگار ما، ایمان آوردیم پس ما را بیامرز و به ما رحم کن همانا تو بهترین رحم‌کنندگانی.

ز [كَمَلِ الْفَرَاغَاتِ فِي التَّرْجِمَةِ الْفَارْسِيَّةِ: (جاهای خالی را در ترجمه فارسی کامل کن.)

۴۸- لَيْسَ شَيْءٌ أَنْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ.

چیزی در ترازوی اعمال از نیست.

۴۹- إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ.

فقط تا کرامت‌های اخلاقی را

۵۰- شَاهَدْتُ أَحْسَنَ مِنْ هَذَا الْفُسْتَانِ أَيُّ لَوْنٍ عِنْدَكُمْ؟!

..... از این پیراهن زنانه رنگی؟!

۵۱- «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ»

بگو به پروردگار ، از شر آن چه

۵۲- أُرِيدُ أَرْحَضَ مِنْ هَذَا السَّرْوَالِ. هَذِهِ الْأَشْعَارُ غَالِيَةٌ.

..... از این شلوار این

ح [تَرْجِمِ التَّرَاكِبِ التَّالِيَةَ: (ترکیب‌های زیر را ترجمه کن.)

۵۳- یا خَيْرِ الرَّازِقِينَ:

۵۷- یا مَنْ يُحِبُّ الصَّالِحِينَ:

۵۴- یا دَافِعَ الْبَلَايَا:

۵۸- أَنْتَ خَيْرُ الرَّاجِمِينَ:

۵۵- یا صَانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ:

۵۹- یا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ:

۵۶- هُوَ شَرُّ النَّاسِ:

۶۰- فَاطِمَةُ الْكُبْرَى:

ط [تَرْجِمِ إِسْمَ التَّفْضِيلِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ: (اسم تفضیل را در عبارات‌های زیر ترجمه کن.)

۶۱- جَبَلٌ أَوْرَسَتْ أَعْلَى جِبَالِ الْعَالَمِ.

۶۴- الْعُلَمَاءُ أَفْضَلُ النَّاسِ.

۶۲- أَوْرُوبًا أَضْعَفُ مِنْ آسِيَا.

۶۵- هُوَ مِنْ خَيْرِ إِخْوَانِي.

۶۳- زَمِيلِي أَحَبُّ الزَّمَلَاءِ فِي الْمَدْرَسَةِ.

۶۶- أَدَّكَرَ أَكْبَرَ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ.

مهارت شناخت و کاربرد قواعد

۱۵ عین نوع الأفعال التالية ثم ترجمها: (نوع فعل های زیر را مشخص کن، سپس آن ها را ترجمه کن.)

-۶۷

إجْتَبُوا: /	لا تَسْخَرُوا: /
سَبَّحْتُ: /	قَدْ كَرِهْتُمْ: /
إتقوا: /	لا تَذَكَّرُوا: /
تَنْصَحْنَا: /	تَتَعَلَّمُونَ: /
يُعَلِّمُنَ: /	كَانَ يَسْتَعْفِفُ: /

۱۶ عین ما طَلِبَ منك: (آن چه از تو خواسته شده را بنویس.)

۶۸- ذلك مَجْرَزٌ زَمِيلِي و لَهُ مَلَائِسٌ أَرْحَصُ. (اسم المكان / اسم التفضيل): /

۶۹- «اتقوا الله إن الله توابٌ رحيمٌ» (اسم المبالغة):

۷۰- كتابي في مكتبتنا من أنفع الكتب. (اسم المكان / اسم التفضيل): /

۷۱- «... و جادلهم بالتي هي أحسن إن ربك هو أعلم بمن ضل عن سبيله...» (اسم التفضيل / فعل الأمر): /

۷۲- «فأنزل الله سكينته على رسوله و على المؤمنين» (اسم الفاعل): /

۱۷ عین المحل الإعرابي للكلمات التي تحتها خط: (نقش کلماتی که زیرش خط است را مشخص کن.)

۷۳- حَسُنَ الخَلْقِ نصفُ الدِّينِ. /

۷۴- هو ذَكَرَ عيوبَ الآخرين في غيابهم. /

۷۵- «لا يَكَلِّفُ اللهُ نفساً إلاً وُسْعها» /

۷۶- السَّعْيُ لِمَعْرِفَةِ أسرارِ الآخرين أمرٌ قبيحٌ. /

۷۷- «لَيْلَةُ القَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» /

۱۸ كَمَلِ الفراغات في الجدول: (جاهای خالی را در جدول کامل کن.)

-۷۸

- وَصَلْنَا فِي سفرنا إِلَى مَطْعَمٍ نَظِيفٍ.
- العَيْبَةُ مِنْ أَهمِّ أسبابِ قَطْعِ التَّوَأصِلِ بَيْنَ النَّاسِ. فَاتْرُكْهَا.
- بَعَثَ النَّبِيُّ لِيُتِمِّمَ المَكَارِمَ الأَخْلَاقِيَّةَ.
- إِجْتَنِبُوا عَن مَنَازِلِ تَذَكَّرُ فِيهَا أَسْمَاءُ الأَخْرِيْنَ.

اسم التفضيل	اسم المكان	الصفة	فعل الأمر	الفعل المجهول
.....
.....

۱۹ اُكْتُبِ العَمَلِيَّاتِ الحِسَابِيَّةَ التَّالِيَةَ: (عمليات رياضي زیر را بنویس.)

۷۹- عشرونَ زائِدٌ عَشْرَةَ يُساوي ثلاثينَ:

۸۰- ثلاث و ستون ناقص ثلاثين يساوي ثلاثة و ثلاثين:

۸۱- أربعة في سبعة يساوي ثمانية و عشرين:

مهارت درک و فهم

س) اِنْتَجِبِ الْكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ (كلمتان زائدتان): (كلمه مناسب برای توضیحات زیر را انتخاب کن. «دو کلمه اضافی است.»)

سوء الظَّنِّ - فُضِحَ - الْغَيْبَةُ - التَّجَسُّسُ - تَنَاوَزَ بِالْأَلْقَابِ - فَسُوقَ - مَيِّتٌ - اِسْتِهْزَاءٌ

٨٢- تَسْمِيَةُ الْآخَرِينَ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ:

٨٣- السَّعْيُ لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخَرِينَ:

٨٤- جَعَلَهُ اللَّهُ حَرَامًا:

٨٥- اتِّهَامٌ شَخْصٍ لِشَخْصٍ بَدُونَ دَلِيلٍ:

٨٦- الَّذِي لَيْسَ حَيًّا:

٨٧- ذَكَرَ مَا لَا يَرُصَى بِهِ الْآخَرُونَ فِي غِيَابِهِمْ:

ع) عَيَّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ: (جمله درست و غلط را برحسب حقیقت مشخص کن.)

٨٨- سَمَى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحَجَرَاتِ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ.

٨٩- عَلَيْنَا الْاجْتِنَابُ مِنَ الظَّنِّ إِنَّ كُلَّ الظَّنِّ إِثْمٌ:

٩٠- ذَكَرَ عِيُوبَ الْآخَرِينَ بِكَلَامٍ حَفِيٍّ أَمْرٌ جَمِيلٌ:

٩١- سُوءُ الظَّنِّ هُوَ اتِّهَامٌ شَخْصٍ لِشَخْصٍ آخَرَ بِدَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ:

٩٢- الْغَيْبَةُ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ:

ف) اِقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ: (متن را بخوان سپس به سؤالات پاسخ بده.)

«أَيُّهَا الرُّمَاءُ، لَا تَعْيِبُوا الْآخَرِينَ وَلَا تَلْقَبُوهُمْ بِالْقَابِ قَبِيحَةٍ يَكْرَهُونَهَا. بِنَسِ الْعَمَلِ الْفُسُوقُ وَمَنْ يَفْعَلْهُ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ. فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى الْاِسْتِهْزَاءَ بِالْآخَرِينَ وَسُوءَ الظَّنِّ وَالتَّجَسُّسَ وَالْغَيْبَةَ. لِأَنَّهَا مِنْ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ. قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا فَعَلَيْنَا أَنْ نَبْتَعِدَ عَنِ الْعُجْبِ. أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعْيِبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ.»

٩٣- مَنْ هُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ؟

٩٤- أَذْكَرُ مَا حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى حَسَبَ النَّصِّ.

٩٥- مَا هِيَ أَسْبَابُ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ؟

٩٦- مَا هُوَ أَكْبَرُ الْعَيْبِ حَسَبَ النَّصِّ؟

٩٧- لِمَاذَا عَلَيْنَا أَنْ نَبْتَعِدَ عَنِ الْعُجْبِ؟

«يُوجَدُ فِي الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ آيَاتٌ فِي الْأَخْلَاقِ. فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى هَذِهِ الذُّنُوبَ، مِنْهَا: الْاِسْتِهْزَاءُ بِالْآخَرِينَ وَتَسْمِيَتُهُمْ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ وَسُوءَ الظَّنِّ وَهُوَ اتِّهَامٌ شَخْصٍ لِشَخْصٍ آخَرَ بَدُونَ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ وَالتَّجَسُّسَ وَهُوَ مَحَاوَلَةٌ قَبِيحَةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ وَهُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ فِي مَكْتَبِنَا وَمِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ. الْغَيْبَةُ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ.»

٩٨- أَذْكَرُ الذُّنُوبِ الَّتِي قَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى حَسَبَ النَّصِّ.

٩٩- عَيَّنْ مَا هُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ.

١٠٠- مَا هِيَ أَسْبَابُ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ؟

١٠١- عَيَّنِ الصَّحِيحَ وَالْخَطَأَ حَسَبَ النَّصِّ.

(١) سُوءُ الظَّنِّ هُوَ اتِّهَامٌ شَخْصٍ لِشَخْصٍ آخَرَ بَدُونَ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ.

(٢) التَّجَسُّسُ ذَنْبٌ لِفَضْحِ النَّاسِ وَكَشْفِ أَسْرَارِهِمْ.

(٣) لَيْسَ فِي الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ آيَاتٌ فِي الْأَخْلَاقِ.

(٤) الْغَيْبَةُ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ وَسَبَبٌ لِقَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ فَقَطْ.

مهارت مکالمه

ص اُجِبْ عَنِ السُّؤَالَاتِ: (به سؤالات پاسخ بده.)

- ۱۰۲- ما اسمُكَ؟
 ۱۰۳- أَيْنَ اشْتَرَيْتَ هَذَا الْقَمِيصَ الرَّجَالِيَّ؟
 ۱۰۴- هل عندكَ مَتَجَرٌّ فِي السُّوقِ؟
 ۱۰۵- أَيُّ لَوْنٍ حَوْلِكَ؟
 ۱۰۶- كَمْ سِعْرُ قَمِيصِكَ؟
 ۱۰۷- هل تَأْخُذُ (تَأْخُذِينَ) التَّخْفِيصَ مِنَ الْبَائِعِ؟

ق رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اُكْتُبِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ: (کلمات را مرتب کن و جمله ای صحیح را بنویس.)

- ۱۰۸- مِنْ / أُرِيدُ . / هذه / غَالِيَةً / هذا / أَرْحَضُ / الْأَسْعَاظُ / .
 ۱۰۹- الْمَبْلَغُ / ثَلَاثِينَ / صَارَ / مِئَتَيْنِ / تَوْمانِ / كَمْ / ؟ / و / .
 ۱۱۰- لَهُ / . / أَفْضَلُ / مَتَجَرٌّ / ذَلِكَ / زَمِيلِي / ، / سَرَاوِيلُ /

پاسخ سؤالات امتحانی درس

۱۸. گناه گناه گناه گناه گناه
 ۱۹. سفید بهتر سیاه قرمز
 ۲۰. شلوار پیراهن زنانه پیراهن مردانه باغ
 ۲۱. ریشخند جاسوسی بدگمانی ارتباط
 کردن کردن

(همه به جز «التَّوَّاصِلُ» از گناهان هستند.)

۲۲. آسیا اروپا آمریکا دینا

(همه به جز «دینا» قاره هستند.)

۲۳. ألقاب ← لَقَبٌ كَبِيرَةٌ ← كِبَائِرُ
 أرذل ← أَرْدَلٌ خَطِيئَةٌ ← خَطَايَا
 أفاضل ← أَفْضَلُ أخ ← إِخْوَةٌ، إِخْوَانُ
 لُحوم ← لَحْمٌ سِعْرٌ ← أُسْعَارُ
 بَهَائِمٌ ← بَهَيْمَةٌ مَيْتٌ ← أَمْوات، مَوْتِي
 مِيزان ← مَوَازِينُ مَطْعَمٌ ← مَطَاعِمُ

۲۴. ای کسانی که ایمان آوردید از بسیاری از گمان [ها] بهره‌یزید همانا برخی گمان [ها] گناه هستند.

۲۵. از خودتان عیب نگیرید و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید پس از ایمان (به خدا) نام آلوده شدن به گناه چه بد است.

۲۶. جاسوسی نکنید و نباید غیبت یکدیگر را کنید. (نبايد برخی از شما غیبت برخی [دیگر] را کنند.)

۲۷. باید از خودپسندی دوری کنیم و عیب‌های دیگران را با سخنی پنهان یا با اشاره‌ای یاد نکنیم.

۲۸. ای دانش‌آموزان، از دیگران عیب نگیرید و آنان را با لقب‌هایی که آن‌ها را ناپسند می‌دارند، لقب ندهید.

۲۹. [چه] بد کاری است آلوده شدن به گناه و هر کس آن را انجام دهد پس او از ستمکاران است.

۱. نباید مسخره کند

۲. [چه] بد است - آلوده شدن به گناه

۳. بهره‌یزید - گناه

۴. ریشخند کردن - جاسوسی کردن

۵. مهم‌ترین - ارتباط

۶. قیمت - پیراهن مردانه

۷. تخفیف - هزار

۸. بد شد (بد باشد) - عذاب داد (عذاب می‌دهد)

۹. گوشت - مرده

۱۰. عیب نگیرید - به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید

۱۱. بسیار توبه‌پذیر

۱۲. پنهان

۱۳. خودپسندی

۱۴. لقب ندهید - ناپسند می‌دارند

۱۵. رسوا کردن - گناهان بزرگ

۱۶. مغازه - همکار

۱۷. زائد (≠) ناقص (≠) إثم (≠) ذَنْبٌ

(به‌اضافه) (منهای)

كِبَائِرُ (≠) الذَّنوبُ الكَبِيرَةُ

(گناهان بزرگ)

أَقَلُّ (≠) أَكْثَرُ

(کم‌تر) (بیش‌تر)

رُخِيصَةٌ (≠) غَالِيَةٌ

(ارزان) (گران)

أَبْيَضٌ (≠) أَسْوَدٌ

(سفید) (سیاه)

خَفِيٌّ (≠) مُبِينٌ

(پنهان) (آشکار)

عَسَى (≠) رُبَّمَا

(شاید)

قَطَعَ (≠) وَصَلَ

(بریدن) (وصل کردن)



۶۶. بزرگ‌ترین

۶۷. اجْتَنِبُوا : فعل امر - بپرهیزید

لا تَسْخَرْ: مضارع نهی - مسخره نکن

سَيَحِبُّ: فعل مستقبل - دوست خواهد داشت

قَدْ كَرِهْتُمْ: فعل ماضی [معادل ماضی نقلی] / ناپسند داشته‌اید

إِنْقُوا: فعل امر - پروا کنید (فعل ماضی: پروا کردند)

لا تُذَكِّرْ: فعل مضارع منفی - یاد نمی‌کنیم

تَنْصَحُنَا: فعل مضارع - ما را پند می‌دهد، ما را پند می‌دهی (تَنْصَحُ + ضمیر «نا»)

تَتَعَلَّمُونَ: فعل مضارع - یاد می‌گیرید

يُعَلِّمُنَ: فعل مضارع - آموزش (یاد) می‌دهند

كَانَ يَسْتَعْفِرُ: معادل ماضی استمراری - آموزش می‌خواست

۶۸. مَتَجَّرَ (مَفْعَل): اسم المكان - أَرْحَصُ: اسم التفضيل

۶۹. تَوَابَ (فَعَال): اسم المبالغة

۷۰. مَكْتَبَةٌ (مَفْعَلَةٌ): اسم المكان - أَنْعَمَ: اسم التفضيل

۷۱. أَحْسَنَ، أَعْلَمَ: اسم التفضيل - جَادِلُ: فعل الأمر

۷۲. الْمُؤْمِنِينَ (المُؤْمِنِ): اسم الفاعل

۷۳. حَسُنُ: مبتدا و مرفوع - الدِّينِ: مضاف إليه و مجرور

۷۴. عَيُوبَ: مفعول و منصوب - غِيَابِ: مجرور به حرف جر

۷۵. اللَّهُ: فاعل و مرفوع - نَفْسًا: مفعول و منصوب

۷۶. أَسْرَارِ: مضاف إليه و مجرور - قَبِيحٌ: صفت و مرفوع

۷۷. خَيْرٌ: خبر و مرفوع - أَلْفِ: مجرور به حرف جر

۷۸.

الفعل المجهول	فعل الأمر	الصفة	اسم المكان	اسم التفضيل
بُعِثَ	أَتْرَأُكَ	نَظِيفٍ	مَطْعَمٍ	أَهْمٍ
تُذَكِّرُ	اجْتَنِبُوا	الأخلاقية	مَنَارِلٍ	الأخريين
			(مَنَزِلٍ)	(الأخَرُ: أَفْعَل)

۷۹. $20 + 10 = 30$

۸۰. $63 - 30 = 33$

۸۱. $4 \times 7 = 28$

۸۲. نامیدن دیگران به اسم‌های زشت: تنازُرُ بالألقاب (به یکدیگر لقب‌های زشت دادن)

۸۳. تلاش برای شناختن (فهمیدن) رازهای دیگران: التَّجَسُّسُ (جاسوسی کردن)

۸۴. خدا آن را حرام قرار داد. اِسْتِهْزَاءُ (ریشخند کردن)

۸۵. تهمت زدن فردی به فردی دیگر بدون علتی: سَوَاءُ الظَّنِّ (گمان بد)

۸۶. کسی که زنده نیست: مَيِّتٌ (مرده)

۸۷. یاد کرد آن چه دیگران به آن در نبودنشان راضی نمی‌شوند. العِيبَةُ (غیبت کردن)

۸۸. درست - برخی مفسران سوره حجرات را سوره اخلاق نامیدند.

۳۰. جاسوسی کردن و آن تلاشی زشت برای کشف رازهای مردم برای رسوا کردن آن‌هاست.

۳۱. غیبت کردن و آن از مهم‌ترین علّت‌های قطع (بریدن) ارتباط میان مردم است.

۳۲. به راستی خداوند مردم را از مسخره کردن دیگران نهی می‌کند.

۳۳. کوه دماوند بلندترین کوه‌های ایران و آسیا بزرگ‌ترین قاره‌های جهان است.

۳۴. داناترین مردم، کسی است که علم مردم را به علم خودش افزود (بیفزاید).

۳۵. هر کس شهوتش بر عقلش غلبه کند پس او از چارپایان بدتر است.

۳۶. شلواری از این جنس بعد از تخفیف به من بده.

۳۷. خدا به کسی جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌دهد.

۳۸. به سوی بهترین کار بشتاب.

۳۹. بدترین مردم کسی است که پایبند به امانت نباشد و از خیانت دوری نکند.

۴۰. قیمت بر اساس جنس‌ها فرق می‌کند (اختلاف دارد).

۴۱. دشمنی عاقل بهتر از دوستی نادان است.

۴۲. خدا همان کسی است که توبه را از بندگان می‌پذیرد.

۴۳. (۲) جَادِلُ: ستیز کن - أَحْسَنُ: بهتر، بهترین (هر دو صحیح است).

۴۴. (۱) خَلُقَ: آفرینش - خَلُقَ: اخلاق

۴۵. (۲) أَحَبُّ: محبوب‌ترین - أَنْعَمَ: سودمندترین

۴۶. (۲) خَيْرٌ: بهترین - أَهْدَى: هدیه کرد

۴۷. (۲) آمَنَّا: ایمان آوردیم - إِعْفُوْا: بیامرز

۴۸. سنگین‌تر - اخلاق نیکو

۴۹. فرستاده شدم (برانگیخته شدم) - کامل کنم

۵۰. بهتر - دیدم - کدام - دارید

۵۱. سپیده دم - پناه می‌برم - آفرید

۵۲. ارزان‌تر - می‌خواهم - قیمت‌ها - گران است.

۵۳. ای بهترین روزی دهندگان

۵۴. ای دورکننده بلاها

۵۵. ای سازنده هر ساخته شده‌ای

۵۶. او بدترین مردم است.

۵۷. ای کسی که شایستگان را دوست دارد.

۵۸. تو بهترین رحم‌کنندگان (مهربانان) هستی.

۵۹. ای گرامی‌ترین گرامیان

۶۰. فاطمه بزرگ‌تر

۶۱. بلندترین

۶۲. کوچک‌تر

۶۳. محبوب‌ترین

۶۴. شایسته‌ترین

۶۵. بهترین

✳ در قرآن کریم آیه‌هایی در (درباره) اخلاق یافت می‌شود. پس خداوند بلندمرتبه این گناهان را حرام کرده است، از جمله آن‌ها: ریشخند کردن دیگران و نامیدن آن‌ها با نام‌های زشت و بدگمانی و آن تهمت زدن یک شخص به شخص دیگر بدون دلیل منطقی و جاسوسی کردن و آن تلاش زشتی برای کشف رازهای مردم برای رسوا کردن آنان و آن از بزرگ‌ترین گناهان در مکتب ما و از اخلاق‌های زشت است. غیبت از مهم‌ترین علت‌های قطع ارتباط میان مردم است.

۹۸. بر اساس متن گناهانی را که خدای بلندمرتبه حرام کرده است را یاد کن. **الإستهزاء بالآخرین، سوء الظن، التجسس و الغيبة** (ریشخند کردن دیگران، بدگمانی، جاسوسی کردن و غیبت)
 ۹۹. آن چه که از گناهان بزرگ است را مشخص کن. **التجسس** (جاسوسی کردن)
 ۱۰۰. مهم‌ترین علت‌های قطع ارتباط میان مردم چیست؟ **الغيبة** (غیبت)
 ۱۰۱. درست و غلط را بر حسب متن مشخص کن.

(۱) بدگمانی آن تهمت زدن شخصی به شخص دیگر بدون دلیل منطقی

است.

(۲) جاسوسی کردن گناهی برای رسوا کردن مردم و کشف رازهای آنان است.

(۳) در قرآن حکیم آیه‌هایی در (درباره) اخلاق نیست.

(۴) غیبت از بزرگ‌ترین گناهان است و فقط علتی برای قطع ارتباط میان

مردم است. (واژه «فقط» این گزینه را غلط کرده است).

۱۰۲. اسمت چیست؟ اسمی محمد (اسمی فاطمه) (اسم من محمد است. اسم من فاطمه است.)

۱۰۳. این پیراهن مردانه را از کجا خریدی؟ **مِنَ السُّوقِ، مِنَ الْمَتَجِرِ** (از بازار، از مغازه)

۱۰۴. آیا مغازه‌ای در بازار داری؟ **نعم، عندي متجرٌ** (بله، مغازه‌ای دارم.)

۱۰۵. کدام رنگ اطرافت هست؟ **أحمر - أسود - أزرق - أبيض - أخضر -**

بنفسجی (قرمز - سیاه - آبی - سفید - سبز - بنفش)

۱۰۶. قیمت پیراهنت چند است؟ **ثلاثة و ثلاثون ألفاً** (سی و سه هزار)

۱۰۷. آیا از فروشنده تخفیف می‌گیری؟ **نعم، لا** (بله، خیر)

۱۰۸. **أريد أخص من هذا. هذه الأسعار غالية.**

۱۰۹. **كم صار المبلغ؟ مئتين و ثلاثين تومان.**

۱۱۰. **ذلك متجرٌ زميلي، له سراويل أفضل.**

۹۹. غلط - ما باید از گمان دوری کنیم همانا همه گمان [ها] گناه هستند.

۹۰. غلط - یاد کردن عیب‌های دیگران با سخنی پنهان کاری زیباست.

۹۱. غلط - بدگمانی همان تهمت زدن شخصی به شخص دیگر با دلیل منطقی است.

۹۲. غلط - غیبت آن از مهم‌ترین علت‌های ارتباط میان مردم است.

ترجمه متن

✳ ای هم‌شاگردی‌ها، از دیگران عیب نگیرید و آنان را با لقب‌هایی زشت که آن‌ها را ناپسند می‌دارند لقب ندهید. آلوده شدن به گناه [چه] بد کاری است و هر کس آن را انجام دهد پس او از ستمکاران است. پس قطعاً خدای بلندمرتبه ریشخند کردن دیگران و بدگمانی و جاسوسی کردن و غیبت کردن را حرام کرده است. زیرا آن‌ها از علت‌های بریدن (قطع) ارتباط میان مردم هستند. گاهی میان مردم کسی است که او از ما بهتر است، پس ما باید از خودپسندی دوری کنیم. بزرگ‌ترین عیب آن است که آن چه ماندش در تو هست را عیب بگیری.

۹۲. چه کسی از ستمکاران است؟ **مَنْ يَفْعَلُ الْفُسُوقَ.** (کسی که آلوده شدن

به گناه را انجام می‌دهد.)

۹۳. آن چه خداوند بلندمرتبه آن‌ها را بر اساس متن حرام کرد را نام ببرید.

الإستهزاء بالآخرين و سوء الظن و التجسس و الغيبة. (ریشخند کردن دیگران و بدگمانی و جاسوسی کردن و غیبت)

۹۴. علت‌های بریدن (قطع) ارتباط میان مردم چیست؟ **الإستهزاء بالآخرين**

و سوء الظن و التجسس و الغيبة. (ریشخند کردن دیگران و بدگمانی و جاسوسی کردن و غیبت)

۹۵. بر اساس متن بزرگ‌ترین عیب چیست؟ **أكبر العيب أن تعيب ما فيك**

مثلاً. (بزرگ‌ترین عیب آن است که آن چه ماندش در تو هست را عیب بگیری.)

۹۷. چرا ما باید از خودپسندی دوری کنیم؟ **لأن قد يكون بين الناس**

من هو أحسن منا. (زیرا گاهی میان مردم کسی است که او از ما بهتر است.)